



Peace and global ethics in the face of the Quran and Islam

Rezvan Najafi ^{a*}

^aGraduated with a PhD in Islamic philosophy and theology, lecturer at Tehran University of Qaim and Art Culture, Tehran, Iran

KEYWORDS

Hans Kong, world peace, global ethics, Holy Quran, Islam

Received: 24 January 2024;

Accepted: 28 February 2024

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/ijj.2024.711914

ABSTRACT

The theory of world peace and ethics in the wake of war, sanctions and existing world problems was presented by Hans Kong. Kong believes that it is a mistake if we consider Islam a religion of war and sword and ignore its religious essence; Because there is no doubt that the Arabs reached the level of a superior moral religion through the Prophet Muhammad (PBUH) which was based on faith in the only God and a fundamental human morality that contained the obvious requirements of justice and superior humanity. Islam was originally based more on ethics than Sharia. In Islam, there is something like ten commandments, the foundation of a common human morality. There is no doubt that Muhammad (pbuh) was an authentic and authentic prophet and in some ways he was similar to the prophets of Bani Israel. Muslims attach great importance to the fact that Muhammad (PBUH) is not the center and core of Islam, like Jesus Christ, who is the center and core of Christianity. According to Muslims, the Word of God did not become a human being; Rather, it became a book and the Qur'an, which is the word of God and attributed to God himself, is the center and core of Islam. In addition, Islam is a religion with the incomparable book of the Qur'an, which completes the Torah of the Jews and the Bible of the Christians and takes their place. According to Muslims, the Qur'an is a unique, complete and very authentic book, and especially scholars study it seriously and recite it by heart. This research aims to examine the aspects of world peace from the point of view of Kong in the Qur'an.

* Corresponding author.

E-mail address: najafirezvan70@gmail.com

©Author





بررسی نظریه صلح و اخلاق جهانی در قرآن کریم

رضوان نجفی الف*

الف دانش آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی، مدرس دانشگاه قائم(ع) و فرهنگ هنر تهران، تهران، ایران،
najafirezvan70@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
هانس کونگ، صلح جهانی، اخلاق جهانی، قرآن کریم، اسلام	این پژوهش برآن است خوانشی جدید از آیات قرآن داشته باشد تا از آن به صلح و اخلاق جهانی برسد. نظریه صلح و اخلاق جهانی در پی جنگ، تحریم‌ها و معضلات جهانی موجود توسط هانس کونگ ارائه شده است. کونگ اعتقاد دارد که، خطا است اگر اسلام را دین جنگ و شمشیر بدانیم و گوهر دینی آن را نادیده بگیریم؛ زیرا تردیدی نیست که اعراب از طریق محمد نبی (ص) به سطح یک دین متعالی اخلاقی رسیدند که باایمان به خدای یگانه و یک اخلاق انسانی بنیادین مبتنی بود که اقتضات آشکار عدالت و انسانیت برتر را در خود داشت. اسلام در اصل بیشتر مبتنی بر اخلاق بود تا شریعت. در اسلام نیز چیزی شبیه ده فرمان، بنیاد یک اخلاق مشترک انسانی وجود دارد. شکی نیست که محمد (ص) یک پیامبر اصیل و معتبر بود و از برخی جهات به پیامبران بنی اسرائیل شبیه و مانند بود. مسلمانان اهمیت زیادی برای این واقعیت قائل‌اند که محمد (ص) به‌مانند عیسی مسیح، که مرکز و هسته‌ی مسیحیت است، مرکز و هسته‌ی اسلام نیست. از نظر مسلمانان کلام خدا به یک انسان مبدل نشد؛ بلکه کتاب شد و قرآن که کلمه‌ی خدا و منسوب خود خداست، مرکز و هسته‌ی اسلام است. به علاوه اسلام دینی است با کتاب بی همتای قرآن که تورات یهودیان و انجیل مسیحیان را کامل می‌کند و جای آن‌ها را می‌گیرد. از نظر مسلمانان قرآن کتابی بی‌نظیر، کامل و بسیار معتبر است و به‌ویژه اهل فن آن را با جدیت فرا می‌گیرند و از حفظ قرائت می‌کنند. این پژوهش برآن است که به بررسی وجوه مواد صلح جهانی از نگاه کونگ در قرآن اشاره کند.

۱. مقدمه

هدف اصلی کونگ از طرح نسبت اخلاق با دین، این است که به اصول عام و فراگیر اخلاق جهانی برسد تا از این طریق رابطه مسالمت آمیز میان پیروان ادیان ایجاد شود. بر همین اساس بحث رابطه دین و اخلاق در اندیشه کونگ با مباحث مربوط به امکان اخلاق جهانی و اصل آن گره می‌خورد. هانس کونگ الهی‌دان و فیلسوف سوئیسی است. دغدغه‌ی اصلی و اولیه‌اش ایجاد نوعی وحدت میان ادیان مختلف از طریق یافتن اصول و هنجارهای مشترک اخلاقی آنها است. او الگویی برای تلفیق سنت کاتولیک و مدرنیته ارائه کرده است. هانس کونگ حوزه‌ی اخلاق را کاملاً مستقل از دین می‌داند؛ بدین معنا که اصول و هنجارهای اخلاقی صرفاً ناشی از تجربه‌های بشری هستند و منشأ آسمانی ندارند. حتی اصول اخلاقی که در کتب مقدس ادیان مختلف آمده‌اند، جنبه‌ی وحیانی نداشته؛ بلکه چون مورد قبول مردمان در موقعیت خاص، قرارگرفته‌اند، مورد توجه کتب مقدس قرار گرفته‌اند. به نظر او تعیین اینکه چه چیزی

انسانی و غیرانسانی است واقعاً دشوار است و هیچکدام را با عقل نمی‌توان ثابت کرد؛ با عقل نمی‌توان ثابت کرد که چرا باید محبت کرد و نباید نفرت داشت، چرا نباید سلطه داشت؛ حال که با عقل نمی‌توان هنجارها و معیارهای اخلاقی را تعیین کرد. تکلیف چیست؟ این جا است که هانس کونگ به تجربه انسانی رجوع می‌کند و می‌گوید در بحث هنجارها، انسان‌ها همیشه متأثر از محیط و شرایط زمان و مکان خود هستند. باید گفت که شناخت خیر، هنجارهای آن الگو و... توسط جامعه به فرد منتقل می‌شود، هانس کونگ مهمترین کارکرد دین را معنا بخشیدن به زندگی می‌داند و به عقیده‌ی او این کارکرد مختص دین است. در بحث از منشأ اخلاق هانس کونگ معتقد است که انسان اصول اخلاقی را از آسمان نمی‌گیرد؛ بلکه در تجربه‌ی مستمر حیات بشری هنجارها و اصول اخلاقی به آزمون و تجربه در می‌آیند و در نهایت تثبیت و پذیرفته می‌شوند؛ به همین دلیل نمی‌توان از مطلق بودن آنها صحبت کرد؛ به این معنا که در همه‌ی موقعیت‌های زمانی و مکانی عمل به آنها به نحو مطلق و بدون قید و شرط است. تعریفی که هانس کونگ از دین و خدا ارائه می‌کند، کاملاً متأثر از تصویری است که در ادیان توحیدی از دین و خدا ارائه شده است. دین مورد نظر او واقعیتی را به عنوان علت نخستین، اساس نهایی، معنا و ارزش نهایی همه‌ی واقعیت‌ها مفروض دارد و این واقعیت دقیقاً همان چیزی است که در ادیان ابراهیمی خدا نامیده می‌شود. کونگ اعتقاد دارد که اگر کسی بتواند به معنای واقعی کلمه انسان باشد، دیندار و متدین است و فرقی نمی‌کند که معتقد به آموزه‌های مسیحی یا اسلامی باشد؛ چنین شخصی طرفدار صلح و مخالف با جنگ؛ ظلم و ستم؛ است پس حاصل دین مورد نظر کونگ اخلاق است و اخلاق به معنای انسان بودن است (کونگ، ۱۳۸۷: ۳۸۵).

به نظر هانس کونگ گوهر تمام ادیان، اصول و ارزش‌های اخلاقی است. او با تدوین اخلاق جهانی تلاش می‌کند تا الگویی برای تقریب ادیان در دنیای معاصر ارائه دهد. جدا از اینکه بین ادیان از حیث اعمال، آموزه‌ها و روش‌ها اختلاف وجود دارد، می‌توان ادعا کرد که پیام اصلی تمام ادیان دعوت به انسانیت واقعی است، بنابراین با کنار گذاشتن وجوه اختلاف می‌توان به هسته‌ی اصلی ادیان که در اخلاق متبلور می‌شود، رسید. به عقیده‌ی کونگ، انسان در حوزه‌ی اخلاق اولاً خدا محور است؛ اما این خدا محوری به معنای این نیست که چیزی اخلاقی است که خدا آن را معین کرده است (همان: ۱۹۷-۲۰۳). در اینکه یهودیت، مسیحیت و اسلام دارای مشترکاتی هستند، تردیدی نیست. عقیده به خدای یگانه و فقط خدای ابراهیم، خالق، رحمان و رحیم، حافظ و داور همه‌ی انسان‌ها که مسیحیان و مسلمانان به زبان عربی او را «الله» می‌نامند؛ اما ویژگی‌های متمایز این سه دین نیز واضح‌اند مهم‌ترین ویژگی برای هریک شامل این‌هاست:

- برای یهودیت، قوم و سرزمین خدا؛ برای مسیحیت، عیسی مسیح به عنوان مسیحا و پسر خدا؛

- برای اسلام قرآن به عنوان کلام و کتاب خدا (کونگ، ۱۳۸۷: ۳۸۵).

۱.۱. جایگاه قرآن در اسلام از نگاه هانس کونگ

هانس کونگ به بررسی آیات قرآن و تحلیل مبانی اسلام پرداخته است. اولین بخش تفسیر و تحلیل او بررسی سوره‌ی حمد است.

«به نام خداوند^۱ بخشنده^۲ مهربان و فیضان دهنده^۳ که حمد و ستایش تنها مختص ذات یگانه اوست. او پروردگار همه جهان است. بخشنده و مهربان و فیض دهنده است. پروردگارا... در روز قضاوت تنها یاری‌رسان به ما تو هستی. تنها تو را می‌پرستیم که راه تو ما را به راه مستقیم رهنمود می‌کند. نه راه کسانی که ظلم کرده‌اند و محکوم شده‌اند و نه گمراهان^۴». بنابراین سوره‌ی اول قرآن به این صورت آمده است^۵ که بارها به مسئله‌ای چون نماز مسلمانان تأکید شده است که برخی از نویسندگان کلاسیک و مسلمان آن را به‌عنوان اصلی اساسی دانسته‌اند. ماهیت و جوهر قرآن شامل این است^۶، اصل اساسی مفاهیم قرآن حاوی وحدت و یگانگی و مبانی فشرده دیگر است. وجود حق تعالی وجودی است که هم خالق و هم مدبر جهان است و این به معنای این است که حق تعالی هم خلق می‌کند و هم ناظم است و خالق ابدی است (خالقی نیست که عالم را خلق کند و سپس آن را رها کند؛ هم چون ساعت سازی که خلق می‌کند و آن را به حال خود رها می‌سازد) و این به معنای احسن الخالقین است. و تنها مدبر حق تعالی است. اوست که بهترین راهنما و یاری‌رسان موجودات است و رهنمودهای او بهترین راهنما برای سعادت زندگی دنیوی و اخروی است. همه باید مشتاقانه تسلیم اراده‌ی حق شویم که همه‌ی پرستش‌ها برای اوست. بر اساس گزارش‌های ارائه‌شده از سوی مسلمانان، چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان تنها دعا و انجام مناسک را مبنا و جوهر دین‌داری افراد بدانیم (Kung, 2007: 69-70).

۱.۲. قرآن، از نگاه کونگ

از نظر مسلمان‌ها قرآن کتابی است زنده و مقدس به زبان عربی که هر کلمه‌ی آن دارای اهمیت است. مزیت قرآن به معنای دقیق کلمه این است که هر مؤمنی می‌داند جایگاهش کجاست. محتوای این کتاب وحی الهی است (کونگ، ۱۳۸۸: ۳۸۵). قرآن به‌وضوح اراده‌ی خدا را بیان می‌کند؛ (نحل: ۴۰) بنابراین هیچ چیز نباید در این کتاب تغییر کند. برعکس، قرآن دست‌خوش تغییر قرار نمی‌گیرد. چون جاودانه است. حتی مسلمانان، مانند بچه مدرسه‌ای‌ها تا آنجا که ممکن است قرآن را به حافظه می‌سپارند. قرآن کتاب واحدی است. قرآن مانند کتاب مقدس عبری، مجموعه‌ای از متون متناقض به نظر نمی‌رسد که هیچ مخرج مشترکی ندارند (کونگ، ۱۳۸۸: ۳۸۵). علاوه بر آن، در هر سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) دعا نقش محوری دارد؛ اما وظیفه‌ی (فرد مسلمان) است که نماز را پنج بار در روز در اوقات خاص بجا آورد (کونگ، ۱۳۸۷: ۳۸۲-۳۸۳). در ادامه به اصول و مبانی صلح جهانی که در قوانین حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد و در قرآن کریم توسط کونگ یافت شده است، پردازیم:

۱.۳. فرهنگ عدم خشونت در اسلام از منظر هانس کونگ

^۱ -bi-smillan

^۲ - ar-rahman

^۳ - ar-rahim

^۴ - by thee.

^۵ - al-fathah.

^۶ - the opehing.

^۷ - «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا [وقتی چیزی را اراده می‌کنیم، سخن ما این است که می‌گوییم: «موجود باش!»] بی‌درنگ موجود می‌شود).

احترام قائل شدن به یکدیگر. لازمه‌ی ادامه‌ی حیات جمعی است: قتل نکردن، شکنجه نکردن، عذاب ندادن، تجاوز نکردن و احترام عمیق برای حیات در تمام عمر، در اخلاق اسلامی ریشه دارد. قرآن می‌فرماید: (مائده ۱: ۳۲) کشته شدن یک فرد بی‌گناه، معادل کشته شدن تمام انسان‌هاست. از احادیث ذکر شده از پیامبران چنین برداشت می‌شود که پیامبران نه تنها نگران حیات بشر بوده‌اند، حتی نگران حیات حیوانات و طبیعت هم بوده‌اند (همان).

۱.۳.۱. فرهنگ همبستگی^۲ و نظام اقتصادی

معاملات صادقانه و منصفانه، به انجام ندادن دزدی، سوءاستفاده، رشوه و فساد اشاره دارد. از نظر قرآن رزمینه‌ی اخلاق و اعتقادات، عدالت را تنها یک نفر (حق تعالی) می‌تواند اجزاء کند و این در قلب قرآن ذکر شده است (نساء: ۱۲۹) ۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همیشه نسبت به خدا اخلاص و از خودگذشتگی داشته باشید و استواری کنید و در تمام عرصه‌ها به حقیقت و عدالت شهادت دهید؛ هرگز اجازه ورود نفرت، گناه و انحراف از عدالت را در خود ندهید. فقط: هر چه به خدا نزدیک‌تر بشویم این آگاهی را بیشتر کسب می‌کنیم؛ پس نظم اجتماعی و نظام اسلامی ناعادلانه نمی‌تواند باشد. در قرآن آمده است که از مازاد و فراتر از نیاز واقعی روزمره‌تان باید به نیازمندان و فقرا انفاق نمایید. خمس و زکات یکی از ارکان الزامی در اسلام است (Kung, 2007: 657).

فرهنگ تسامح و صداقت در زندگی، صداقت در عمل و صحبت، شما نباید دروغ بگویید، تزویر و دست به فریب کاری زنید. اساس اخلاق در قرآن، وفاداری، صداقت و پایداری در عمل است. صداقت و راست‌گویی و حقیقت (حق یکی از نام‌های خداست) به عنوان مرکز عدالت در اسلام قلمداد می‌شود (Ibid: 657). حقوق برابر و مشارکت بین زنان و مردان: احترام و عشق به یکدیگر، سوءاستفاده نکردن در روابط جنسی و تحقیر، بی‌احترامی نکردن و فریب یکدیگر ندادن.

۱ - «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (هر فردی، انسانی را بدون اینکه مرتکب قتل یا فساد در روی زمین شود، بکشد، چنانست که همه انسانها را کشته است).

۲ - Cf. surahs 52:34; 17:88; 11:13f. 10:38; 2.

۳ - «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمِغْلَقَةِ وَإِنْ تُضِلُّوا وَتَنَقُّوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» رعایت عدالت به معنای حقیقی آن در بین زنان و اینکه یک مرد حد وسط حقیقی دوستی را در بین زنان خود رعایت کند چیزی است که هیچ انسانی قادر بر آن نیست، هر قدر هم که در تحقق دادن آن حرص بورزد، پس آنچه در این باب بر مرد واجب است این است که یکسره از حد وسط به یکی از دو طرف افراط و تفریط منحرف نشود و تا آنجا که برایش ممکن است رعایت عدالت را بکند و مخصوصاً مراقب باشد که به طرف تفریط یعنی کوتاهی در ادای حق همسر خود منحرف نگردد و زن خود را بلا تکلیف و مانند زن بی‌شوهر نگذارد که نه شوهر داشته باشد و از شوهرش بهره‌مند شود و نه نداشته باشد تا بتواند همسری دیگر اختیار نموده، و یا پی کار خود برود.

توضیح: این آیه حکم عدالت در بین زنان که خدای عز و جل در اول سوره تشریع کرده و به مردان حکم کرده بود که: اگر می‌توانید عدالت برقرار کنید به یک زن اکتفا کنید (نساء/۳) را بیان می‌کند و نیز جمله «و ان تحسنوا و تتقوا...» که در آیه قبلی (النساء/۱۲۸) بود، به این معنا اشاره دارد، چون آن جمله خالی از بوئی از تهدید نیست و این تهدید باعث می‌شود که شنونده در تشخیص حقیقت عدل در بین زنان دچار حیرت شود و کلمه «عدل» به معنای حد وسط در بین افراط و تفریط است و تشخیص این حد وسط از امور صعب و بسیار دشوار است و مخصوصاً از این جهت که ارتباط با دلها دارد، چون رعایت دوستی عادلانه در بین زنان و اینکه یک مرد به اندازه مساوی زنان خود را دوست بدارد، امری ناشدنی است، چون بطور دائم از حیطة اختیار آدمی بیرون است (المیزان ج: ۵، ص: ۱۶۳ و ۱۶۴).

4 - An edition with commentary comprising 22 fascicles (around 3000 pages) 23. appeared in association with the mosques in Munich: *Die Bedeutung des Korans*, Munich 1991-6, 1998. However, the monumental twelve-volume edition already cited, by the Christian religious scholar A.T. Khoury, *Der Koran. Arabisch-Deutsch* (n. 5), is also bilingual in Arabic and German.

قرآن، به حقوق مساوی بین زن و مرد، اشاره دارد. برابری حقوق همسران، (با توجه به اینکه همسران (همراه) هم تلقی می شوند) مبنی بر اینکه با شوهران خود در حقوقشان برابر هستند، گرچه مردان مقدم بر زنان در جامعه برشمرده شده اند. به نظر می رسد که اصل انسانیت، ابتدایی ترین اصل اخلاق جهانی و کرامت اسلامی افراد است: خدا قبل از خلقت همه ی موجودات، انسان را خلق کرد و انسان را به عنوان فرماندار زمین و اشرف مخلوقاتش^۱ انتخاب کرد^۲. قانون طلایی بر ایجاد روابط متقابل بسیار تأکید شده است: مؤمن محسوب نمی شوید تا زمانی که آنچه را که برای خود می پسندید برای برادران نیز بپسندید، به وضوح مشخص است که میراث مشترک هر سه ادیان ابراهیمی این است که در روح خود می توانند پاسخ مناقشات تلخ غیراخلاقی گذشته را پاسخ بدهند. سوره ی ۱۷ قرآن و آیات ۲۲-۳۸ بر مسئولیت تاریخی خاص افراد به احکام مشترک ده گانه کتاب مقدس موسی (ع) درباره اخلاق عمومی مشترک است (Ibid: 657)

۱.۳.۲. اخلاق یک اصل اساسی مشترک اولیه از سه دین نبوی

اسلام، یهودیت و مسیحیت دین نبوی محسوب می شوند. دین عرفانی هندو و چینی: شامل هندو و بودا و کنفوسیوس گرایی و داوئیسم نیز به شکلی مشترک تلقی می شوند. در اسلام بیش از حد، این ابتکار عمل وجود دارد که با اتکا به طبیعت فطری انسان (روم ۳: ۳۰) یا به وسیله ی تلاش خود (عبادت) یک خدا را به عنوان تعیین کننده و حاکم مطلق بدانند که شأن وجودش مانند انسان ها نیست و او بسیار بالاتر است. بر این اصل بسیار تأکید می شود که قبل از مواجهه انسان با پروردگار، اعمال و رفتار او را حساب و بررسی کند (به حساب خود برسد قبل از اینکه به حسابان برسد). در عین حال، آن ها ایمان به خداوند دارند؛ یعنی اینکه آن ها خودشان را به خدا می سپارند یعنی ایمان به خدا. اسلام بیش از ادیان دیگر وابسته به ایمان و اعتقاد است و همچنین تأکید بر شخصیت پیامبر اسلام (حتی بیشتر از مسیحیت و یهود) به چشم می خورد. در مقابل در هند، خلق و خوی عمومی و عرفانی حاکم است. اسلام، مانند دو دین نبوی دیگر، دین تعامل خدای مقدس با انسانی است که موجود و مخلوق او تلقی می شود. کلام خدا به صورت وحی به پیامبر و از ایشان به انسان منتقل شده و از این طریق به یگانگی خدا ایمان می آورند و ارکان حق تعالی را به عنوان یک دین که اساسش بر تعامل و وحدت است مبنا قرار می دهند (Ibid: 91-92).

۱.۳.۳. رابطه حقوق و اخلاق در اسلام از نگاه کونگ

ترس بسیاری از مسلمانان در مورد از بین رفتن اتحاد و اشتراک جامعه اسلامی، تئوری است که برای غرب یک امر غیرقابل توجه به نظر می رسد. با این حال در جوامع غربی نگاه های مختلفی ایجاد شده: مشکل اغلب آنان ایجاد

^۱ - As well as the Qur'an literature indicated (above all Nagel and Watt), see also the precise summary by A. Neuwirth, 'Koran', in K. Kreiser and R. Wielandt (eds.), *Lexikon der Islamischen Welt*, Stuttgart 1992, 159-62, for its account of research, mentioned above.

^۲ - «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند) (آیه فطرت) (روم: ۳۰) گرایش انسان به دین را امری فطری (ذاتی) دانسته است. به باور مفسران دین اسلام مطابق با فطرت (خلقت و ذات) انسان تشریع شده است (المیزان، ۱۴۱۷ق، ۱۶، ص ۱۷۷).

عقاید متفاوت است، برخی مخالف فردگرایی خودخواهانه هستند و برخی دیگر کثرت‌گرایی بدون محدودیت را تصادفی دانسته و آن را رد می‌کنند. مسلمانان (و دیگر جوامع مذهبی) بر مسئولیت انسانی افراد در مقابل یکدیگر و همچنین رعایت قوانین حقوق بشر و آزادی یکدیگر تأکید می‌کنند. در حال حاضر مهم این است که توجه داشته باشید که شأن و منزلت انسانی با توجه به حقوق و مسئولیت افراد مورد حمایت و دفاع قرار گیرد. آیا مسلمانان جهان می‌پندارند که حقوق بشر بر اساس امپریالیسم و فرهنگ غرب تألیف شده است؟

این تلقی بدون شک، به‌طور کلی برای دولت اسلامی آسان‌تر است. تلاش برای اذعان این اصل که حقوق بشر جدا از زمینه‌های اخلاقی به وجود آمده است. در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی از حقوق بشر در چنین شرایطی تنظیم شد که: تکیه اصلی آن بر «عقل و وجدان» و «روح و برابری» است و در ماده یک به‌وضوح پیش‌فرض نگرش اخلاقی و اساس اخلاقی و عمل اخلاقی بیان شده است و بر آن تأکید شده است و بیش‌ازپیش ماده ۲۹ مورد تأکید قرار گرفته است مبنی بر این مطلب که «هرکسی وظایفی نسبت به جامعه دارد» همراه با اساس قرار دادن نیاز به مذاکره و گفت‌وگو با محوریت قرار دادن نیاز به اخلاق، دستورات عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه دموکراتیک است (Ibid: 575).

اگر افراد و همه‌ی جوامع در نزاع‌ها و مشاجراتشان حقوق بشر را رعایت کنند، حتماً به‌جای روحیه‌ی قدرت‌نمایی در افراد روحیه‌ی برادری ایجاد خواهد شد. نگرانی افراد در جهت حفظ منافع مشترکشان همراه با رعایت استانداردهای اخلاق جهانی، باعث شده افراد به سمت‌وسوی اخلاق جهانی کشانده شوند و بر منافع مشترک بینشان تأکید خواهند کرد پس اجرا نشدن و غفلت افراد از حقوق بشر می‌تواند منجر به نقض و خدشه وارد کند بر کرامت انسانی می‌شود و در نهایت به بروز رفتارهای غیرانسانی در آن‌ها منجر می‌شود (برای مثال ترور روبسپیروگوتین) (Kung, 2007: 91-92). برای تبیین بیشتر این مهم باید بیان کنیم، اساس قرآن بر اتحاد است^۱. اتحاد مد نظر آیات و روایات تنها در مقابل دشمن نیست. اتحاد داشتن در برقراری عدالت، صلح و اخلاق نیز بسیار تأکید شده است. در آیات قرآن بسیار به چشم می‌خورد که به قوانین به صورت متحد احترام بگذارید (یوسف ۲: ۷۶) و قوانین برای همه به صورت یکسان است. قوانین حقوق بشر نیز برای کل مردم دنیا به صورت یکسان تعریف شده است. بنابراین طبق آیات قرآن اگر قوانین به صورت یکسان برای همه افراد باشد و همه نیز خود را ملتزم به اجرای آن بدانند، مطمئناً به صلح جهانی خواهیم رسید. اگر هر کشوری ائمه کشورهای جهان اول و غربی همانگونه که ثبات، آرامش، امنیت را برای شهروندان خود مهم می‌داد، برای دیگر کشورهای خاورمیانه مهم بداند و دست به کشتار و تحریم زنند، طبق آیات و توصیه‌های قرآن و دیگر کتب مقدس صلح جهانی در دنیا می‌تواند ممکن گردد.

^۱ - اتحاد و هم‌بستگی همه انسان‌ها چنان مطلوب و در برابر، اختلاف چنان نکوهیده است که قرآن در ۵ آیه اعلام داشته: اگر مصلحت ایجاب می‌کرد،

خداوند با اراده تکوینی خود، همه مردم را یک‌پارچه و یک امت قرار می‌داد. مائده/سوره ۵، آیه ۴۸. انعام/سوره ۶، آیه ۳۵

^۲ - «فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَزِغَ دَرَجَاتٍ مِنْ نَشَاءٍ وَفُؤَقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (پس (یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان پیش از بار برادر کرد، آخر آن مشربه را از بار برادر خود (بنیامین) بیرون آورد. این تدبیر را ما به یوسف آموختیم، که در آیین ملک این نبود که بتوان آن برادر را به گرو بگیرد، جز آنکه خدا بخواهد (و دستوری از طریق وحی به یوسف بیاموزد. و ما که خدای جهانیم) هر کس را بخواهیم به مراتب بلند می‌رسانیم و (تا مردم بدانند که) فوق هر دانشمندی دانشمندتری وجود دارد) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲/۲: ۱۲۳).

۴. نقش دین در اخلاق جهانی

ادیان نقش بسیار مهمی در طرح اخلاق جهانی کونگ ایفا می‌کنند و می‌توان گفت که دین مهم‌ترین عامل و درواقع اصلی‌ترین عامل تحقق این طرح است؛ زیرا چنان‌که گذشت، از منظر کونگ تا زمانی که صلح و تفاهم میان ادیان حاصل نشود، تحقق صلح جهانی از طریق اخلاق جهانی میسر نیست. در این زمینه از دو منظر می‌توان به نقش دین نگریست؛ به عبارت دیگر، به دو دلیل، دین در طرح اخلاق جهانی اهمیت دارد:

اول، چنان‌که در اعلامیه‌ی اخلاق جهانی نیز آمده است، طرح اخلاق جهانی با ایجاد تحول درونی انسان‌ها میسر خواهد شد؛ به عبارت دیگر، طرح اخلاق جهانی در پی یک تحول در اجتماع جهانی است که با قوانین، توصیه‌های اخلاقی، قراردادهای و پیمان‌ها این تحول پدید نمی‌آید، بلکه با تغییر بینش‌ها و ارزش‌ها رخ می‌دهد؛ بنابراین، با ایجاد تحول در روح و روان آدمیان است که می‌توان امید به تحول بینش‌ها و ارزش‌ها داشت؛ اما در دنیای بحران‌زده‌ی کنونی چه نیرویی می‌تواند این تحول را ایجاد کند. اینجا است که به نظر کونگ هیچ نیرویی جز نیروی معنوی ادیان نمی‌تواند باعث این تحول شود؛ بنابراین دین مهم‌ترین نیروی معنوی برای تحقق این تحول باطنی است. چنان‌که در اعلامیه‌ی اخلاق جهانی به‌وضوح اشاره شده است، هرچند ادیان خود نمی‌توانند مشکلات محیط‌زیست، مسائل اقتصادی و اجتماعی جهان امروز را حل کنند، اما در دین امر مهمی وجود دارد که با برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دست‌یافتنی نیست؛ یعنی تغییر رویکردها، ذهنیت‌ها و در یک کلام تغییر قلوب مردم و تغییر مسیر نادرست زندگی به سمت‌وسوی یک مسیر جدید. درواقع این تحول یک احیای معنوی است که نیروی معنوی ادیان می‌تواند آن را محقق سازد (Kung, 1998: 13).

بر این اساس، «ادیان به‌رغم اختلافات مهمی که در باب ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر زندگی انسان دارند، هنوزهم از آن نیروی معنوی می‌تواند چهره‌ی جهان کنونی را دگرگون سازند» (Kung, 1998: 2). همچنین از طرف دیگر ادیان نقش مهمی در امید بخشی به انسان‌ها دارند. انسان‌ها در طول تاریخ شاهد درگیری‌ها، جنگ‌ها و نزاع‌های بسیار میان افراد و گروه‌های انسانی بوده‌اند و امروز نیز در دنیای مدرن کنونی این جنگ‌ها و نزاع‌ها نه‌تنها فروکش نکرده‌اند بلکه گسترده‌تر هم شده‌اند؛ بنابراین یاس، نومیدی و تاریک دیدن افق آینده‌ی بشر تقریباً امری طبیعی است و زنده نگه‌داشتن روحیه‌ی امیدواری و در نتیجه جست‌وجوی راه حل مشکلات نیاز به یک نیروی قوی دارد. به نظر می‌رسد که در اینجا نیز ادیان با غنای محتوای انسانی و اخلاقی خود می‌توانند امید رسیدن به آرامش و صلح پایدار جهانی را در دل انسان‌های صلح‌طلب زنده نگه‌دارند. شاهد این مدعا «تلاش‌های فراوان زنان و مردان بسیاری در سراسر جهان بحران‌زده‌ی کنونی است که هنوز هم برای رسیدن به صلح میان ملت‌ها از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. نمونه‌ی روشن این امیدواری مشارکت صدها نفر از پیروان ادیان مختلف در کنفرانس پارلمان ادیان جهان در شیکاگو بود» (Ibid: 2).

تاکید بر اصول و مبانی اخلاقی از مفاد و وظایف پیامبر اسلام بوده است. طبق حدیث «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام) (طبرسی، بی‌تا: ۸)

دین؛ برای نابودی مشرکان و کافران و گناهکاران و خدا ناباوران هم فرمان نداده است (اسراء: ۷۰) «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را

بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم). تاکید قرآن بر جلوگیری از خونریزی (ممتحنه: ۸) «لَا يُنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون نمودند نهی نمی کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می دارد). بنابراین طبق آیات مذکور و آیات موجود در قرآن کریم، اسلام هیچ گاه بر خونریزی و قساوت های مغرضانه ای که برخی گروه های اسلامی نما و تروریستی انجام می دهد دستور نداده است. قرآن بسیار تاکید بر آزادی در انتخاب افراد (بقره: ۲۵۶) دارد. بنابراین طبق ادعای ابتدایی این پژوهش، کلیه ناهنجاری های موجود در جهان و خاورمیانه حاصل خوانش نادرست، مغرضانه، جانبدارانه و ناصحیحی است که افراد دارند و آن را نیز به روش های روحی و روانی ترویج می دهند.

۱.۴. مفهوم جهانی شدن

نیاکان ما، معضلات عمده معیشتی و رفاهی خود را، به ویژه هنگام مواجهه با بحران ها، غالباً از طریق مهاجرت، حل می کردند و زمین خدا برای انسان ها بسیار وسیع بود و فاصله گرفتن از هم دیگر، نقش کلیدی در برخورداری آن ها از منابع طبیعی داشت. این فاصله، غالباً موجب بی خبری از آداب و رسوم دیگران و حصرگرایی نسبت به باورها و آداب خویش می شد. تکامل اجتماعی، دارای آهنگی بسیار کند بود و تحولات ژرف، هر هزار، بلکه هزاران سال یک بار رخ می داد تا عصر حجر به عصر آهن تبدیل گردد.

تأسیس دولت ها و به میان آمدن مرزهای جغرافیایی، بر فاصله ی افراد از یکدیگر تأکید کرد و بر روابط اجتماعی و فرهنگی، حاکم شد. تعیینات ملی و قومی، گرایش های فراملی را کاهش داد؛ اما انقلاب صنعتی و دو قرن پس از آن، انقلاب در فن آوری اطلاعات، انسان های دور از یکدیگر را به هم نزدیک تر کرد و فاصله ی جغرافیایی و حتی تاریخی را به شدت کاهش داد. بشر، اینک، نزدیک هم دیگر، مطلع از نسل های گذشته، واقف بر اندیشه ها، آداب و رسوم دیگران و مرتبط با آن ها زندگی می کند. فروریختن مرزها، حذف فاصله ها و محدودیت های جغرافیایی حاکم بر روابط اجتماعی و فرهنگی، وقوف بر سنت ها و باورهای پیشینیان و تطور تاریخی آن ها، تبدیل شهروند به نتوند^۱، به میان آمدن نسل های چند نژادی، تبدیل وابستگی به هم بستگی، به میان آمدن گرایش های فراملی، تولد سازمان های بین المللی و... کره ی زمین را آستن دهکده ی جهانی ساخته است و دغدغه ی «شهر ما خانه ی ما است» را به «کره ی ما خانه ی ما است» مبدل شده است (قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۸۰، Singer, 2002: 1).

اگرچه نه در تعریف دقیق جهانی شدن، و نه در تبیین آن، وحدت نظر وجود دارد، اما غالب جامعه شناسان، جز تحلیل گران تمدن، جهانی شدن را فرایندی در شرف وقوع می دانند (وات رز، ۱۳۷۹: ۹۷-۶۱، قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۸۰).

مفهوم سازی آنتونی گیدنز^۲، جامعه شناس مفهوم معاصر، از جهانی شدن، چنین است:

جهانی شدن را می توان به صورت تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان، تعریف کرد که در آن، جوامع دور از هم

^۱ - netizen.

^۲ - Giddens, Anthony.

طوری به یکدیگر وابسته می‌شوند که حوادث محلی، از رویدادهایی تأثیر می‌پذیرند که در مناطق دوردست شکل می‌گیرند و بر آن‌ها (متقابلاً) تأثیر می‌گذارند (قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۸۰، Giddens, 1958: 64).

باید بیان کرد همه ادیان توحیدی دارای یک دغدغه و رسالت هستند اما باتوجه به فرهنگ و زبان مردم هر محیط جغرافیایی، پیامبری نازل شده است تا مباحث و فرامین اخلاقی و هستی‌شناختی را بیان کند. کلیه ادیان توحیدی که دارای کتاب آسمانی هستند دارای یک دستورالعمل کلی اخلاقی و توحیدی هستند. این خود مهمترین نشانه و اصل در ایجاد یک صلح جهانی است.

۲.۴. بقای جهان از طریق اخلاق جهانی

امروزه در اسلام افراد نوآور سیاسی وجود دارند که آنان طرفدار اسلام پست‌مدرن اصلاح‌شده می‌باشند. قرآن را تنها یک راهنما می‌دانند، هستند. در قرآن گرایش‌ها، معیارها و ارزش‌های انسانی وجود دارند. هرچند که این امور خود را به‌عنوان حق فرد در مقابل دولت (در مسیر نهادهای دولت‌های غربی) تثبیت نکرده‌اند. همان‌طور که در کتاب مقدس نیز این امور به این صورت تثبیت نشده‌اند. بر اساس قرآن مسلمان‌ها می‌توانند از درون اسلام به حقوق بشر دست بیابند و در همین حال برای یک اخلاق جهانی، صلح جهانی و عدالت جهانی تلاش کنند. پیامبر محمد (ص) خاطرنشان ساخت که «اگر آنچه را برای خود می‌پسندی، برای دیگری نیز بیپسندی، مسلمان خواهی بود» و بدین ترتیب قاعده‌ی طلایی را بیان کرد. چه کسی از درد و رنج‌ها و مصیبت‌های این جهان شکایت ندارد؟ چه کسی در این واقعیت تردید دارد که مردان و زنان مکرراً می‌توانند این جهان از هم گسیخته را در امور کوچک و بزرگ تغییر دهند و آن را بهتر کنند؟

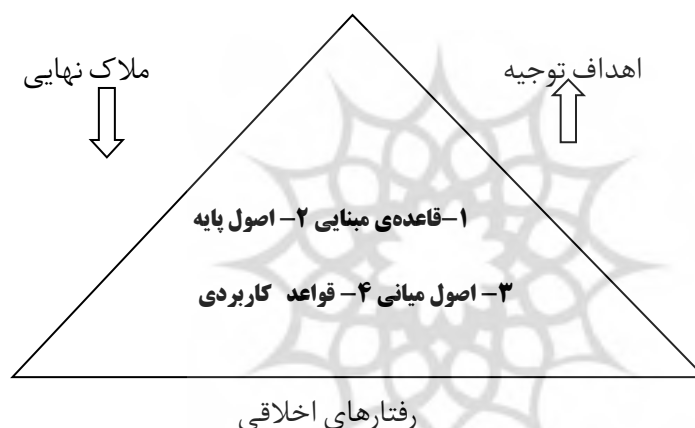
«اگر بخواهم خلاصه اصول کار خودم و مردان و زنان بی‌شمار دیگر را، در هر جایی که زندگی می‌کنند، تکرار کنم، آن عبارت است از: بدون صلح میان ادیان، هیچ صلحی میان ملت‌ها ممکن نیست؛ بدون گفت‌وگوی میان ادیان، هیچ صلحی میان ادیان ممکن نیست؛ بدون معیارهای اخلاقی جهان هیچ گفت‌وگوی میان ادیان ممکن نیست؛ و بدون اخلاق جهانی، بقای جهان ما ممکن نیست» (کونگ، ۱۳۸۷: ۴۲۲).

کونگ اعتقاد دارد، ایجاد و افزایش فرهنگ و مدنیت چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، مشروط به گفت‌وگو میان جوامع است که با حضور نمایندگان تمدن‌ها باوجود تمایلات و دیدگاه‌های مختلف امکان‌پذیر است. اگر بشریت در آستانه‌ی قرن جدید هزاره‌ی جدید، تمام تلاش خود را برای نهادهای سازی «ایجاد روحیه‌ی گفت‌وگو» اختصاص داده است، تمایل به گفتمان و تفاهم و جایگزین کردن آن به جای خصومت را می‌توان یک میراث ارزشمند برای سودرسانی به نسل آینده به شمار آورد (همان).

مهمترین ثمره صلح جهانی ایجاد اخلاق جهانی، ثبات، آرامش، امنیت در جهان است که قرآن کریم بیش از آنکه نظریه-پردازان معاصر به آن توجه کنند، بر آن تأکید داشته است. طبق دستور قرآن-کریم، صلح بهتر است (النساء ۱۲۸) مراد آنست که با در نظر گرفتن هرگونه سودی که تصور میکنند از جنگ و مبارزه حاصل میشود باز هم صلح از آن بهتر است. در سوره بقره آیه ۲۰۸ میفرماید: «یا ایها الذین آمنوا دخلوا فی السلم كافة» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید همه شماها وارد عالم صلح و صفا شوید). در سوره مبارکه انفال آیه ۶۱ آمده است: «و ان جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله» و اگر بسوی صلح و صفا میل کردند تو هم بآن بگرای و بر خداوند توکل کن. بنابراین مسالحه و زندگی مسالمت‌آمیز داشتن با اقشار جامعه از مواردی است که در قرآن بسیار به آن اشاره شده است.

۳.۴. اساس و مبانی اخلاق جهانی

وقتی به مبانی اخلاق جهانی، توجه کنیم، مسئله‌ی دین و اخلاق جهانی، ابعاد خود را نشان می‌دهد. آیا اخلاق جهانی، به‌طور کلی و نیز اخلاق جهانی مبتنی بر آموزه‌های دینی، از حیث کارایی و اثربخشی، بر گزاره‌های بنیادین استوار هستند؟ کارایی و اثربخشی اخلاق جهانی، در درجه‌ی اول، به هرم اخلاق، بستگی دارد. قاعده‌ی این هرم، رفتارهای اخلاقی در سطح جهانی است. اخلاقی بودن این رفتارها در پرتو قواعد کاربردی^۱ معلوم می‌شود و قواعد کاربردی، از اصول میانی^۲ مأخوذ هستند؛ و این اصول، برگرفته از اصول پایه^۳ یا راهبردی می‌باشند و آن‌ها نیز از قاعده‌ی مبانی^۴، بر ملاک نهایی^۵ اخلاق مبتنی است. بنابراین، ملاک نهایی، از طرفی، غایت قصوی و از طرف دیگر، دلیل نامشروط اخلاقی است. بیانیه‌ی اخلاقی جهانی، از قاعده‌ی مبانی و نه ملاک نهایی، آغاز و آنگاه با ذکر اصول پایه، به اصول میانی می‌انجامد، با این ادعا که هر سه قسم، (قاعده‌ی مبانی، اصول پایه و اصول میانی)، در همه‌ی ادیان و سنت‌های اخلاقی کهن، آمده است (قرا ملکی، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۳).



۵. تطبیق اصول اخلاق جهانی با آیات قرآن کریم

۱. هیچ نظم نوین جهانی بدون یک اخلاق جهانی ممکن نیست
همه مسئول ایجاد یک نظم بهتر جهانی هستیم. ما به‌عنوان انسان‌های دینی و معنوی زندگی خود را بر واقعیت نهایی مبتنی می‌کنیم و مسئولیت ویژه‌ای در قبال همه‌ی بشر داریم و اطمینان داریم که حکمت ادیانمان راهی را به سوی آینده نشان می‌دهد.

۲. با هر انسانی باید انسانی رفتار شود

در این اعلامیه از این اصل به‌عنوان یک خواست و ضرورت اساسی یاد می‌شود. ضمن تأیید اختلاف در مبانی اخلاقی سنت‌های بزرگ دینی و اخلاق جهانی، بر این امر تأکید می‌شود که همه‌ی آن‌ها یک اخلاق عام را برای

^۱ - applied rules.

^۲ - middle principles.

^۳ - basic principles.

^۴ - fundamental rule.

^۵ - ultimate criteria.

انسان‌های دینی و غیردینی فراهم می‌آورند. همچنین این سنت‌های دینی و مکاتب اخلاقی در این نکته باهم مشترک‌اند که رفتارهای غیرانسانی با انسان را نفی می‌کنند و بر رفتارهای انسانی تأکید دارند (کونگ، ۱۳۸۸: ۲۲۷-۲۲۸).

این مهم در آیات قرآن بسیار برآن تأکید شده است:

قرآن کریم ساختار وجودی او را بهترین ساختار وجودی دستگاه آفرینش می‌داند و می‌فرماید: و لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم. (تین، ۴/۹۵) و خداوند همه مواهب زمین را برای او آفریده است و او را به عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده: انی جاعل فی الارض خلیفه. (بقره، ۳۰/۲) و از همین روی، در بین تمام آفریده‌های جهان، او را با کرامت خاص، مقام ویژه‌ای بخشیده و فرمود: و لقد کرمنا بنی آدم. (اسراء، ۷۰/۱۷) آدمی خلیفه خدا در زمین و عهده‌دار شکوفا سازی امانت‌هایی است که در نهان خانه ضمیرش جای دارد. انسان دارای ظرفیت بی‌حد و استعداد بی‌نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است. خداوند در قرآن می‌فرماید: أخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً. (نحل، ۷۸/۱۶) یعنی شما را از شکم مادران خارج ساختیم در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید. این همان مرتبه استعداد محض است که در دفتر وجودی انسان وجود دارد و باید به فعلیت برسد.

۳. پایبندی به فرهنگ عدم خشونت و احترام به حیات

این اصل به شرح ذیل بیان می‌شود:

الف) در ادیان بزرگ و نیز در مکتب‌های اخلاقی، حکم به عدم قتل یا احترام به حق حیات دیگران وجود دارد. به عبارت دیگر، هر انسانی تا بدان جا که به حقوق دیگران تجاوز نکرده است، حق حیات دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از او سلب کند.

اگر قرآن کریم به صورت مجموعی مورد مطالعه و دقت قرار بگیرد این نتیجه برای هر آدم منصفی حاصل می‌گردد که دین اسلام برای هر انسانی حق زندگی قائل است و بدون علت نباید انسانی کشته شود؛ هر چند مسلمان نباشد. مثلاً خداوند می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲) یعنی هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

ب) نزاع‌ها و درگیری‌ها را باید عادلانه و بدون خشونت حل کرد و استفاده از روش نظامی نادرست است. در این جهت کسانی که قدرت سیاسی دارند، باید در چهارچوب یک نظام عادلانه عمل کنند و خود را به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز پایبند بدانند.

ج) باید خانواده‌ها به کودکان خود بیاموزند که خشونت ابزاری برای فرونشاندن اختلافات نیست. تنها بدین روش می‌توان فرهنگ عدم خشونت را ایجاد کرد. طبق آیه (ال عمران: ۱۵۹) «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند پس چون امت به نادانی درباره تو بد کنند از آنان درگذر و از خدا بر آنها طلب آمرزش کن و برای دلجوئی آنان در کار جنگ مشورت نما، لیکن آنچه را که خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد و یاری می‌کند).

د) پابندی به حفظ منابع زمین، هوا، آب و خاک. ما انسان‌ها در جهانی زندگی می‌کنیم که علاوه بر وابستگی‌های انسانی، به منابع روی زمین نیز وابسته‌ایم؛ بنابراین باید در حفظ آن‌ها بکوشیم. طبق آیات قرآن: (سجده: ۷) و (روم: ۴۱) و (اعراف: ۹۶) بر اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست تأکید شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پیرامون آلوده کردن محیط زیست فرمودند: «ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ فِي فَعْلَيْنَ: الْمَتَغَوِّطُ ظِلَّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمَتَنَابِ وَ سَادَّ الطَّرِيقَ الْمَلُوكَ» (سه گروهند که در اثر سه کار ناروا مورد لعنت خداوند هستند: -کسی که مکان عمومی، سایه‌بان‌ها، پارک‌ها، محل نزول مسافران و ... را آلوده کند؛ -کسی که آب نوبه‌ای را به غصب ببرد؛ یعنی رعایت نوبت نکند -کسی که سدّ مغبر کند و مانع عبور عابران شود) (حر عاملی، ۱۴۱۴ق)، ج ۱، ص ۳۲۵، باب ۱۵).

قرآن کریم در جنگی که علیه مسلمانان تحمیل می‌شود، شرایط و قیودی را وضع کرده که باید از سوی مسلمانان رعایت شود و حتی در حال جنگ از تعدی و ظلم بر کافران، مسلمانان را نهی نموده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰) کسانی که به جنگ شما می‌آیند، در راه خدا پیکار کنید و تجاوز روا مدارید که خدا تجاوزگران را دوست نمی‌دارد.

ه) ما به عنوان انسان‌های برخوردار از سنت‌های بزرگ دینی و اخلاقی باید دغدغه‌ی دیگر هموعان خود را نیز داشته باشیم و آماده‌ی کمک به آن‌ها باشیم و هر قوم، نژاد و دینی باید از تسامح نسبت به دیگران برخوردار باشد و حقوق اقلیت‌ها را مراعات کند (همان: ۲۲۸-۲۲۹).

قرآن کریم به صراحت خواستار زندگی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان است اما در عین حال اگر مسلمانان از سوی دشمنان تهدید به جنگ و نابودی شود، قرآن کریم همسو با حکم عقل دستور دفاع و جنگ با آنان را می‌دهد و این چیزی نیست که بر قرآن و دین اسلام اشکالی وارد کند. مثلاً خداوند می‌فرماید: «لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» * إِنَّمَا يَنْهَى اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ وَ مَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، آیات ۸ و ۹). یعنی خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ظالم و ستمگر است!

۴. پابندی به یک فرهنگ یگانه و یکپارچه و یک نظام عادلانه‌ی اقتصادی

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن میلیون‌ها نفر بدون داشتن شغل و حرفه زندگی می‌کنند. آن‌ها زندگی سخت و فقیرانه دارند. این وضعیت، ناشی از یک نظام ناعادلانه‌ی اقتصادی است که شکاف میان فقیر و غنی در آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. در این جهان متشتت که سوسیالیسم و کاپیتالیسم ارزش‌های معنوی و اخلاقی را نابود کرده‌اند، فساد فردی و اجتماعی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه روبه فزونی است. آشکار است که درجایی که فقر شدید حاکم است، بی‌پناهی و ناامیدی گسترش می‌یابد. در این جامعه توزیع قدرت و ثروت نادرست است و احساس ناامنی و بی‌اعتمادی در همه جا گسترش یافته است. در نتیجه شورش و خشونت‌های متقابل در جامعه رواج دارد (همان: ۲۲۹). در این راستا در آیات آمده است:

وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (مطففين ۸۳)، همچنین می‌یابیم که حضرت شعیب در رسالتش تأکید می‌کند که التزام به دین و اطاعت خداوند، الگوی معینی از تعامل با اموال را اقتضا می‌کند و این امر شگفتی برخی از کافران قوم او را برانگیخت و چنین گفتند:

قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاحُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْجُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ (هود ۸۷، ۱۱). و جامعه، جزئی از حوزه عمل دین شمرده می‌شود.

۵. پایبندی یک فرهنگ توأم با مسامحه و زندگی توأم با راست گویی

به‌رغم تلاش‌های مردان و زنان بی‌شماری در سراسر جهان برای رسیدن به یک زندگی توأم با صداقت و راست‌گویی، شاهد دروغ‌ها، فریب‌ها و نیرنگ‌های فراوان در جهان هستیم. سیاست‌مداران و تجار برای به دست آوردن موفقیت به‌دروغ متوسل می‌شوند. رسانه‌های جمعی به‌جای گزارش‌های صحیح به تبلیغات ایدئولوژیکی می‌پردازند و به‌جای دادن اطلاعات درست دست به انتشار اطلاعات نادرست می‌زنند. آن‌ها به جای پایبندی به حقیقت، به علایق شخصی توجه دارند؛ و همچنین است وضعیت دیگر بخش‌های جامعه (همان: ۲۳۰).

در قرآن کریم در زمینه تسامح آمده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند خواهان راحتی و آسانی برای شماست و خواهان سختی و دشواری برای شما نیست» (بقره/۱۸۵). و یا آمده است «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ خداوند برای شما در دین سختی و دشواری قرار نداده است» (حج/۷۸).

در آیه ۱۱۹ سوره توبه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

۶. پایبندی به یک فرهنگ توأم با حقوق برابر و مشارکت میان مردان و زنان

در سراسر جهان شاهد شکل‌های مختلفی از مردسالاری، سلطه یک جنس بر دیگری، بهره‌کشی از زنان، سوءاستفاده‌ی جنسی از کودکان و روسپی‌گری اجباری هستیم. باین‌حال در سنت‌های بزرگ دینی و اخلاقی جهان این فرمان را داریم «نباید مرتکب بی‌بندوباری جنسی شوید» یا به‌صورت جمله‌ی ایجابی: (به هم‌دیگر احترام گذارید و محبت کنید)؛ بنابراین هیچ‌کس حق ندارد به دیگران صرفاً به دید یک سوژه‌ی جنسی نگاه کند و از آن‌ها بهره‌کشی جنسی کند (همان).

کونگ اعتقاد دارد که یکی از شایستگی‌های مارتین لوتر^۱ آن است که وی در الهیات خود، طبیعت جسمانی و تمایلات جنسی انسان را بهتر از اسلاف خویش درک می‌کند. از نظر لوتر همراهی زن و شوهر و رابطه‌ی زن با همسر و فرزندان از حقایق اساسی وجود بشر است. گرتا شارفنوت^۲، الهی‌دان پروتستان، موضع لوتر را این‌گونه توصیف می‌کند: که زن و مرد به‌عنوان مخلوقات خدا، با یکدیگر به‌صورت خدا آفریده شده‌اند (کونگ، ۱۳۸۹: ۹۹).

«أَنْتَى لَا أُضِيعُ عَمَلٌ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران: ۱۹۵)

من کار هیچ کارگزاری را از شما چه مرد و چه زن بی‌مزد نمی‌گذارم.

«وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يظَلُمُونَ نَقِيرًا» (نساء: ۱۲۴)

^۱ - Martin Luther

^۲ - Greta Sharf Noteboo

«و کسانی که کارهای شایسته کنند - چه مرد باشند یا زن - در حالی که مومن باشند، آنان داخل بهشت می شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی گیرند.»

و «من عَمَلٍ صَالِحاً مَنْ ذَكَرَ أَوَانْتَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُخَيِّطَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (نحل: ۹۷)

«هر که از اهل ایمان کار شایسته ای انجام دهد چه زن باشد و چه مرد او را در فضای زندگی پاکیزه ای حیات می بخشیم و آنان را به نیکوتر از آنچه عمل کرده اند پاداش می دهیم.»

«مَنْ عَمِلَ صَالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت: ۴۱)

«هرکس چه زن و چه مرد عمل صالح و خوب انجام دهد به نفع خود او و هر که کار بد و عمل غیر صالح انجام دهد به ضرر خود او می باشد و خداوند بر بندگان ظلم و ستم روا نمی دارد.»

زن و مرد هر یک در گرو اعمال و کارهای خویش می باشند و اسلام هریک از زن و مرد را مسئول کارهایشان می داند. در آیه ای این حقیقت به گونه بسیار روشن بیان شده است:

۷. تغییر و تحول وجدان‌ها

تجربه تاریخی نشان داده است که هیچ تغییر و تحولی در زمین رخ نمی‌دهد، مگر اینکه وجدان آدمیان و حیات جمعی آن‌ها تغییر کند. همچنین این تغییر و تحول باید در حوزه‌های اخلاق و ارزش‌ها نیز رخ دهد. هر انسانی دارای شأن و منزلت است و نیز از حقوق مسلمی برخوردار است؛ اما همین انسان مسئولیت‌هایی نیز دارد؛ از جمله او برای آنچه انجام داده و نداده مسئول است. هر تصمیم و عملی و نیز هر قصور و تقصیری از ما پیامدهایی دارد.

خوشبختانه در بسیاری از حوزه‌های زندگی وجدان تازه‌ای از مسئولیت اخلاقی به وجود آمده است؛ به‌ویژه ما از ادیان مختلف می‌خواهیم تا دیدگاه‌های اخلاقی خود را درباره‌ی اموری مانند معنای زندگی و مرگ، تحمل سختی‌ها و گذشت از گناهان و خطاها، ضرورت ایثار و از خودگذشتگی و همدلی و همدردی با دیگران بیان کنند. این امر موجب تعمیق و عینیت اخلاقی جهانی می‌شود (کونگ، ۱۳۸۸: ۲۳۲-۲۳۳).

در پایان این اعلامیه تأکید می‌شود که هیچ‌یک از اصول و مطالب این اعلامیه نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که دستاویزی برای دولت‌ها، گروه‌ها یا افراد فراهم آورد تا مسئولیت‌ها، حقوق و آزادی‌های مطرح شده در این اعلامیه و اعلامیه‌ی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ را نقض کنند. همچنین تأکید می‌شود که این اعلامیه خطاب به همه‌ی مردان و زنان، مؤمن و غیر مؤمن است.

اعلامیه‌ی جهانی مسئولیت‌های انسانی غیرقابل مقایسه با اعلامیه پارلمان ادیان جهان است. این اعلامیه در سال ۱۹۹۷ در شورای متشکل از سیاستمداران خبره و باتجربه‌ی جهان برای تحقق و تحکیم اعلامیه‌ی حقوق بشر تصویب شد. در این اعلامیه نیز نقش برجسته‌ی کونگ کاملاً به چشم می‌خورد. کونگ این بار نیز تهیه‌ی پیش‌نویس این اعلامیه را به عهده داشت (Kung, 1998: 31-2).

محتوای این اعلامیه شباهت بسیار زیادی با اعلامیه‌ی اخلاق جهانی دارد. در مقدمه‌ی آن بیان شده که حقوق برابر و نقض ناپذیر همه‌ی اعضای خانواده اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است و تعهدات و مسئولیت‌های را در بردارد؛ اما تأکید انحصاری بر حقوق موجب نزاع، تفرقه و غفلت از مسئولیت‌هایی انسانی می‌گردد؛ زیرا نقش قانون در

تحقق حقوق انسانی بستگی به این دارد که مردان و زنان بر اساس عدالت رفتار کنند. از طرف دیگر، مسائل و مشکلات جهانی راه حل های جهانی می طلبد که فقط با آرمان ها، ارزش ها و هنجارهای مورد احترام همه ی فرهنگ ها و جوامع به دست می آیند. همچنین همه ی مردم مسئول تحقق بخشیدن به یک جامعه ی بهتر هستند که تنها با قوانین، توصیه ها و پیمان ها به دست نمی آید (کونگ، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

در آیات قرآن بسیار بر وجدان تاکید شده است. برای نمونه:

«لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ * وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت ۱-۲)؛ (سوگند به روز قیامت * و سوگند به [نفس لوامه] و وجدان بیدار و ملامت گر [که رستاخیز حق است!]). نفس یا روح ملامت گر دقیقاً همان وجدان است.

۶. نتیجه گیری

چنانکه مشاهده شد، کلیه اصول و مبانی که در صلح جهانی و قوانین حقوق بشر است و توسط اندیشمندان و متفکران معاصر ارائه شده است، به صورت کلی و جزئی در آیات قرآن یافت می شود و ریشه قرآنی دارد و اگر در قرن های جاری و معاصر اندیشمندان به صلح و تسامح ملی و فراملی نائل آمده اند؛ این آیات قرآن است که به وضوح به برابری، کرامت داشتن همه افراد و عدالت ورزی و غیره تاکید داشته است.

ناگفته پیداست که اخلاق جهانی را باید در پرتو نگرش ایدئالیستی توجیه و تبیین کرد. اگر نظریات هانس کونگ می توانست از چنین بینشی برخوردار باشد، می توانست از دلالت های تلویحی تفکر خویش که به رویکرد طبیعت گرایانه و فایده باورانه منتهی می گردد، رهایی یابد. در اینجا لازم است به آیه ای از قرآن کریم که در این مقال بسیار به آن توسل جسته ایم اشاره کرد که بر اساس آن اگر شخص بی گناه کشته شود، گویی همه انسان ها کشته شده اند و اگر شخصی از مرگ نجات یابد، این به منزله نجات تمام نفوس بشری از مرگ است.^۱ این آیه را توانسته در پرتو آیه ای دیگر درک کرد مبنی بر اینکه انسان ها نفوس واحده به شمار می روند.^۲ با تأمل در این آیات می توان به درستی پرده از ماهیت متافیزیکی اخلاق کنار زد. شرح اینکه انسان ها همه تجلیات اراده واحد واجب تعالی هستند و هر کدام به صورتی یگانه و منحصر به فرد وظیفه خویش را در زندگی ایفا می کنند و برای توجیه خیرخواهی آنها در حق یکدیگر، توانسته به این نکته بسنده کرد که همگی از یک منبع واحد نشأت گرفته و علاوه بر اینکه اصول فطری واحدی در نهادشان به ودیعت قرار داده شده است، پیوند نفس الامری و واقعی دارند. اگر کل انسان ها به این درجه از شناخت برسند که هر فرد یکی از ظهورات خلاقانه اراده الهی است، بساط جنگ و اختلاف برچیده می گردد. بنابراین، برخلاف نظر هانس کونگ، امکان اخلاق جهانی را باید در منشاء آسمانی آن جستجو کرد. اگر اخلاق جهانی را در انباشت تجارب بشری جست و جو، به خاطر اختلافات فرهنگی اقوام و ملل گوناگون و همچنین ملاحظات فایده باورانه ای که در سطح شخصی و ملی وجود دارد، نمی توان به التزام همگان نسبت به اصول واحد اخلاقی امیدوار بود. اخلاق جهانی فقط زمانی محقق می گردد که ریشه اصول اخلاقی را در وحدت نوعی انسان ها به صورت تجلیات مختلف و متنوع اراده خلاق الهی دید؛ به صورتی که احترام به هم نوع مساوی با پاسداشت مقام واجب تعالی و نوعی عبادت انگاشته شود.

^۱ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده/۳۲)

^۲ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (نساء/ ۱)

۷. منابع

-قرآن کریم

۱. کونگ، هانس، (۱۳۸۴)، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب.
۲. -----، -----، (۱۳۸۷)، *ساحت‌های معنوی ادیان جهان*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم، مرکز مطالعه و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳. -----، -----، (۱۳۸۸)، *دین و اخلاق*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب.
۴. -----، -----، (۱۳۸۹)، *خدا در اندیشه‌ی فیلسوفان غرب*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب.
۵. -----، -----، (۱۳۸۹)، *زن در مسیحیت*، ترجمه‌ی طیبه مقدم و حمید بخشنده، قم، ادیان و مذاهب.
۶. -----، -----، (۱۳۹۱)، *هنر زیستن (تاملی در معنا/اری زندگی)*، ترجمه‌ی حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب.
- ۷-قراملکی، احدفرامرز (۱۳۸۲)، *تاملی در اخلاق جهانی*، با تاکید بر بیانیه‌ی سویدلر و هانس کونگ، ش ۱، حکمت نامه.
۸. طبرسی، حسن بنفضل، (بی‌تا) *مکارم الاخلاق*، تصحیح محمودبن ملاصالح بروجردی، نشر شریف رضی.
۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۳) *المیزان*، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۰. حرعاملی، (۱۴۱۴ق) *وسائل الشیعه*، ج ۱، نشر ال البيت.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۲) *نشر دارالکتب الاسلامیه*.
12. Kung, Hans (1976), *on Being a Christian*, Image Books, Doubleday, New YORZ, London, Toronto, sydney, Auckland.
13. Kung, Hans (1980), *Does God Exist? An Answer for Today*, Doubelday and company. INC, Garden city, New York.
14. Kung, Hans (1991), *Global Responsibility*, London: SCM press.
15. Kung, Hans (1994), *jose kuschel, kari, A Global Ethic: the Declaaration of parliament*, continuum international publishing Group.
16. Kung, Hans (1998), *A Global Ethic for a Global politics and Global Economics*, oxford vniversity press, New York.
17. Küng, Hans (2007), *ISLAM, Past, Present, and Future*, Oneworld Book Published by Oneworld Translated by John Bowden from the German *Der Islam: Geschichte, Gegenwart, Zukunft* published 2004 by Piper Verlag, Munich.
18. Küng, Hans, (1974), *ON BEING A CHRISTIAN*, Tranlateb by Edward Quinn.
19. Marcus G. Singer, (1992) *Generalization in Ethics*, the software toolworks mitediaencyclopediaEdver.